

صلاحیت دیوانعالی کشور امریکا و مسئله تراکم

کثرت امور و سنگینی بار موضوعات مطروحه در مراجع قضائی از جمله مسائلی است که

اغلب ممالک مخصوصا کشور ماباآن مواجه است. باوجود اتخاذ تدابیر و وضع و اصلاح

قوانینی که غالب ممالک بآن توسل جسته اند این مشکل حل نشده و وسیل مرافات

و مراجعات مردم بجانب داد گستردها روان است. گرچه همانطور که اشاره شد این امر مبتلا

به کلیه کشور هاست ولی بعضی ممالک بععل پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی و بکاربردن

تدابیر مبتکرانه معقول تا حدودی از این تراکم در حل و فصل خصومات جلوگیری کرده

و برای تسریع در دادرسی و اجتناب از رکود اقداماتی بعمل آورده اند. برای توفیق در این

مشکل در ایران امکان اقتباس و تقلید آنچه در کشورهای راقی برای جلوگیری از این امر در

نظر گرفته شده بدون در نظر گرفتن شرائط سنتی، اجتماعی، اقتصادی و حتی اقلیمی فراهم

نیست ولی چون ممکن است مطالعه در این گونه نظامات و مقررات لاقبل راهنمایی برای

اتخاذ روش و وضع قوانین مناسب برای مبارزه بامسئله تراکم در داد گستری باشد و از طرف

دیگر چون بررسی موضوع تراکم در کلیه مراحل دادرسی بحثی طولانیست که در این

مختصر نخواهد گنجید لذا فعلا بشرح حدود صلاحیت دیوان عالی کشور امریکا که یکی

از مهمترین مراجع قضائی عالم بوده و در عین حال خود نیز دچار این مشکل است می

پردازیم تا شاید با مطالعه رویه ستخذه از طرف دیوان مزبور که فقط متشکل از نه نفر

قاضی برای رسیدگی بمسائل قضائی قاره ای عظیم نظیر امریکا است راهی برای اصلاح

قوانین مربوط بصلاحت دیوان عالی کشور ایران بمنظور جلوگیری از مسئله تراکم بیابیم زیرا بطوری که متذکر گردید بحث کلی برای رفع مشکل تراکم در کلیه مراحل دستگاه قضائی ممکن است فعلا خارج از حوصله این مقال بوده واز طرف دیگر بابررسی حدود صلاحیت دیوان عالی کشور امریکا ونحوه رسیدگیهای این مرجع عالی قضائی بعلت گرفتاری وابتلا بیشتر دیوانعالی کشور ایران با موضوع تراکم طبعا آغاز مطلب دراین باب را بیشتر از سایر مراجع ایجاب وضمنا شاید با امکان امعان نظر و تطبیق وانطباق برای اولیا امور بمنظور یافتن طریق مناسب ومنطقی بتوان برای حل مسئله کثرت کارها ودر نتیجه جلوگیری از اطاله دادرسی مخصوصا دردیوان عالی کشور راهی صحیح جستجو کرد.

چون اشاره بمسئله تراکم دردیوان عالی کشور امریکا کرده ایم بدنیست که وضع این محکمه عالی را از نظر میزان کار و آمار آن ابتدا مورد بررسی قرار داده وسپس بحدود صلاحیت قانونی آن پردازیم:

از نظر رئیس دیوان عالی کشور امریکا، دادگاه مزبور سالهاست دربررسی پرونده ها واوراق قضائی غوطه وربوده واعضا آن از کثرت مشغله وتراکم امور دروضعی بسیار ناراحت کننده قراردادارند. درسخرانی که وارن برگر(۱) رئیس دیوان کشور امریکا اخیرا دردانشگاه کلمبیا بافتخار فیسک استون(۲) که در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ رئیس دیوان کشور امریکا بوده است، ایراد کرده است چنین بیان داشته که آمار پرونده های مطروحه دراین دادگاه از ۱۴۴۸ پرونده در سال ۱۹۴۵ به ۴۲۰۲ پرونده درسال ۱۹۶۹ افزایش یافته ودرسال

اول خدمت او که سال قبل باشد این رقم به ۴۵۳۳ پرونده بالغ شده است. و اخیرا بحث در این امر پیدا شده است که آیا قضاات این دادگاه چه تدابیری باید برای حل این مشکل بیندیشند چندی قبل کمیته ای از هفت نفر از کارشناسان حقوقی بوسیله برگر تعیین شده بود که این کمیته بریاست استاد دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد بنام پل فرانند (۳) تشکیل گردید کمیته مزبور پیشنهاد کرد که باتصویب کنگره دادگاه نه نفری دیگری متشکل از قضاات استیناف ممالک متحده بر مبنای ادواری بودن دوره آن تشکیل گردد که دادگاه مزبور بکلیه تقاضاهای فرجامی رسیدگی و درخواستهای را که قابلیت طرح در دیوان عالی کشور را دارد رسیدگی و بقیه را که قابل طرح نیستند مردود اعلام بدارد در این پیشنهاد اضافه شده است باوجود چنین دادگاهی معذک حق رد و قبول تقاضاهای فرجام برای خود دیوان عالی کشور نیز کماکان باقی بماند.. کمیته فوق اضافه کرده است که گرچه در حال حاضر دیوان کشور امریکا از حق خود در قبول یا عدم قبول درخواستهای فرجامی استفاده میکند ولی این پیشنهاد میتواند در تصفیه اینگونه درخواستها و جلوگیری از موضوع تراکم نقش مهمی را ایفا کند. از قرن نوزدهم تصمیمات و مشاورات دیوان عالی کشور امریکا در روزهای معین هفته در جلساتی که بطور سری منعقد میشد اتخاذ میگردد ولی اخیرا مخبر مجله تایم امریکا بنام دیوید بکویت (۴) باکسب اجازه از مقامات مربوط موفق شده است که بنحوه مشاورات در جلسات مزبور د؟ البته تاخیر در ورود عملی خلاف ادب تلقی میشود ، درهای سالن کنفرانس بسته میشود و بعد از حضور کلیه قضاات بر طبق سنتی

که وجود دارد نامبردگان برای ابراز صمیمیت و همکاری دست یکدیگر را بگرمی میفشارند و در خارج از این سالن دونفر گارد مخصوص محافظ نیز مستقر است تا اطمینان حاصل شود کسی مخمل کار آنها نخواهد شد و هرآینه ارتباط با خارج ضروری باشد رسم

براینست که جوانترین قضات این دادگاه در راه است باز میکند تا چنانچه پیامی یا خبری باشد بدرون سالن ببرد.

بعد از انجام این مقدمات رئیس دیوان کشور کنفرانس را آغاز و قضات نظرات خود را بر حسب اقدمیت و ارشدیت نسبت به پرونده ها ابراز میدارند. برای مثال روش کار در این

دادگاه چنین است که با طرح اولین پرونده دادگاه توجه میابد موضوع طرح شده درخواست فرجام از محبوسی است که بعدم آزادی در ادای فرایض مذهبی از طرف

مقامات زندان اعتراض کرده است بعد از طرح این تقاضا با توجه بسوابق و آراء قبل قضات میدانند در این خصوص قبلا دیوان عالی کشور در پرونده پلاک (۲) علیه بلو نظر خود را

اعلام داشته و این نظریه بعنوان رویه لازم الاتباع سالهاست مورد عمل قرار گرفته است که طبیعی است با توجه بسوابق مذکور این درخواست فرجام رد میشود سپس پرونده دیگری

مطرح میشود که باز قاضی دیگری مخاطب رئیس قرار گرفته و نظریه او استعلام میگردد تا بالاخره در موضوع مطروحه عقیده کلیه قضات پرسیده میشود البته بیش از نیمی از اینگونه

تقاضاها بعلت اینکه جلب توجه حتی یکی از قضات دیوان کشور را نکرده است قابل تجویز برای دادرسی فرجامی قرار نمی گیرد و در سال

جاری هر قاضی دیوان کشور و منشی او کلیه تقاضاهای فرجامی را بمحض وصول مورد بررسی قرار داده اند و بنا به تصمیمی که اخیراً از طرف قاضی نوئیز پاول (۱) اتخاذ شده است تقاضاهای فرجامی به یکی از تقریر نویسندگان قضائی ارجاع میشود تا برای هر پرونده گزارشی از یک تا ۱۵ صفحه بمنظور مطالعه جداگانه قاضی برگر (۲) وایت (۳)، بلاک من (۴) و رین کوئیست (۵) تهیه نماید، قضات دیگر بوسیله منشی خود منفرداً اقدام باین امر میکنند.

اخذ تصمیم در تجویز دادرسی فرجامی از نظر هر قاضی دیوان کشور امریکا امری شخصی تلقی میشود. البته همه قضات بر حسب تجربه معتقدند که اخذ تصمیم برای رد درخواستهایی که فاقد ارزش برای تجویز دادرسی فرجامیست آسانتر از اخذ تصمیم برای رد درخواستهایی که فاقد ارزش برای تجویز دادرسی فرجامیست آسانتر از اخذ تصمیم برای اعطاء این حق است و بقول یکی از قضات جوان دیوان کشور ((تعداد زیادی از اینگونه درخواستها قابلیت تجویز دادرسی فرجامی نداشته که بعد از مدتی تجربه اکنون اینگونه تقاضاها را با سرعت بیشتر مطالعه و غیر قابل طرح اعلام میداریم.))

موضوعاتی که بر حسب طبیعت، محلی بوده و موثر در وضع فقط چند نفر معدود میباشند و فاقد مسئله خاص مربوط بفسدال و قانون اساسی است بصورت عادی از شمار پرونده های مزبور خارج میشود زیرا بقول یکی دیگر از قضات دیوان کشور امریکا ((ما عهده دار این وضع هستیم که برای تامین عدالت باید مسائلی را بررسی کنیم که متضمن نکته مهم

حقوقی باشند بنابراین اگر مسئله ای بررسی شود که تا چند سال دیگر احتمال طرح آن

نرود چنین امری مورد نظر ما قرار نخواهد گرفت))

از نظر دیوان کشور امریکا تقاضاهای هیاس کورباس (۶) بهیچوجه قابلیت طرح در دیوان

عالی کشور را ندارند اینگونه درخواستها از نظر بررسیهای فرجامی نوعاً رد میشود قاضی

دو گلاس تعداد بیشماری از تقاضاهای فرجامی را که دست نوشته است خود قرائت میکند

و از این بابت از همکاران خود تقاضای همکاری نمیکند زیرا علاقه وی بقرائت اینگونه

دادخواستها از نظر وی امری شخصی است .

باید دانست پرونده هائی که بطور اتوماتیک قابل طرح در دیوان عالی کشور باشد نسبت به

پرونده هائی که بآن نحو قابل رد باشد بسیار کم و نادر است و ضمناً باید توجه داشت که

رسیدگی فرجامی به پرونده هائی که در مراحل مختلف مورد رسیدگی قرار گرفته است

برای دیوان عالی کشور آسانتر است تا پرونده هائی که راساً مورد رسیدگی قرار میگیرد

البته اگر تعارضاتی بین نظرات مختلفی که دادگاههای عالی ایالات ابراز داشته اند وجود

داشته باشد در این گونه موارد دیوان کشور به سیاست تانی و مطالعه بیشتر پرداخته و مسئله

مورد نظر را دقیقاً رسیدگی خواهد کرد.

دیوان کشور امریکا روش و سیاستهای اجتماعی کشور را نیز در زمینه بررسی هنای قضائی

مورد نظر قرار میدهد زیرا عملاً دیده شده است که بعد از اظهار نظری که دیوان مزبور

در پرونده بران (۱) علیه آموزش و پرورش راجع به عدم تبعیضات نژادی کرده است دیگر مسئله مشابه آنرا طرح نکرده و مورد بحث قرار نداده است. زیرا دیوان کشور بعد از سالهای متمادی مجموعاً چنین استنباط میکند که این نحوه رسیدگی برای کشور مفید تراست. بهر تقدیر قبول تقاضای فرجام از نظر یک قاضی دیوان کشور امریکا تا آن حدود مورد توجه است که چه احساسی بقاضی از جهت نظراتی که سایر همکارانش خواهند داشت دست دهد و آراء و تصمیمات هیئت قضات بر چه پایه خواهد بود.

هرگاه قضات دیوان کشور یکی از آراء قضات محاکم تالی برخورد کنند که قابلیت طرح و ابرام را داشته و انتشار آن برای کشور مفید باشد بلا تردید تقاضای رسیدگی فرجامی در چنین پرونده ای پذیرفته خواهد شد. و بنا بقول یکی از دیگر قضات دیوان کشور که چنین اظهار داشته ((اگر در زمینه بررسی تقاضاهای فرجام به رای ناصوابی و یا به اشتباهی برخورد کنم ولی برایم تصور حاصل شود که ممکن است زیر نظر اکثریت قضات این رای مبرم شناخته شود طبیعی است رای به رد تقاضای فرجام خواهم داد و بعبارت دیگر چنین معتقدم که تصمیم غلط دادگاه ایالت اگر فقط برای آن ایالت لازم الاتباع باشد بهتر است که بعد از تایید دیوان کشور بصورت قانون برای تمام کشور درآید.

اینک به بحث در زمینه صلاحیت دیوان عالی کشور امریکا می پردازیم: قسمت اول ماده سوم قانون اساسی امریکا مشعر بر اینست که ((قوه قضائیه ممالک متحده بیک دیوان عالی و دادگاههای تالی دیگری که ممکنست کنگره بر حسب زمان امر بایجاد و تشکیل آن بدهد

محول است)). قسمت دوم ساده فوق الذکر صلاحیت محاکم دادگستری را در امریکا باین شرح توضیح داده است ((قوه قضائیه با توجه بقانون اساسی قابل توسعه به کلیه موضوعات حقوقی مربوط به قانون و انصاف و قوانین ممالک متحده و عهدی که بموجب

اختیارات قانونی از اختیارات ممالک متحده میباشد بوده و همچنین بررسی پرونده هائی که موثر در وضع سفراء و وزراء و صاحبمنصبان و مشاوران دولتی باشد داخل در این صلاحیت خواهند بود و بهمین ترتیب این وسعت صلاحیت نسبت به پرونده های مربوط بامور دریائی و جنگی و اختلافات فیما بین دو ایالت یا بیشتر و اختلافات بین یک ایالت و اتباع سایر ایالات و بین افراد ایالات مختلف و بین اتباع همان ایالت در مورد اراضی که بوسیله ایالات دیگر اعطاء گردیده و بین ایالت و یا اتباع آنها با دول خارجی و اتباع آنها قابل تسری میباشد.))

در کلیه موضوعات موثر در وضع سفراء و وزراء و صاحبمنصبان دولتی و همچنین در مسائلی که دولت یکی از اصحاب دعواست . صلاحیت دیوان عالی کشور صلاحیت اصلی محسوب است در موضوعات و مسائل دیگری که فوقاً اشاره گردید صلاحیت دیوان عالی

کشور صلاحیت تمیزی است که البته دیوان مزبور اینگونه مسائل را هم از نظر ماهیت و هم از جهت قانونی مورد رسیدگی تمیزی قرارداده و کنگره موظف است قوانین مربوط را باتوجه باین اصل وضع و تصویب نماید.

باتوجه بذکر اصول فوق راجع بصلاحیت مراجع قضائی در امریکا اینکه بذکر صلاحیت

دیوان عالی کشور می پردازیم :

۱- تحدید نظر و رسیدگیهای تمیزی نسبت به آراء محاکم ایالات

این حق برای دیوان مزبور بموجب قسمت ۱۲۵۷ کد ممالک متحده پیش بینی شده که

ذیلادرج میگردد: ((آراء نهائی و تضمیمات صادر از عالی ترین محاکم ایالات بطریق زیر

از طرف دیوان عالی کشور امریکا مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت:

** (۱) بوسیله تقاضا فرجام نسبت بمسئله ای که راجع به ارزیابی عهود یا قوانین ممالک

متحده در هنگامی که دادگاه تصمیمی برخلاف آنها اتخاذ کرده است باشد.

(۲) بوسیله تقاضای فرجام نسبت بمسئله ای که لزوم ارزیابی قوانین ایالات از جهت تغایر

آنها باقانون اساسی و عهود باقوانین ایالات متحده مورد نظر باشد.

(۳) بوسیله تجویز رسیدگی فرجامی از طرف خود دیوان عالی کشور در مواقعی که ارزیابی

و بررسی عهود و قوانین ممالک متحده مورد سؤال است یا در مواقعی که بررسی مقررات

و قوانین ایالات از حیث مغایرت باقانون اساسی و عهود و قوانین ایالات متحده یا هرگونه

حق امتیاز مصونیت های سیاسی و مقررات و نظامنامه های مورد عمل مقامات دولتی مورد

سؤال است.

۲- تجدید نظر نسبت به آراء دادگاههای تالی فدرال

مهمترین صلاحیت رسیدگی تمیزی دیوان کشور آمریکا در این مورد راجع است به رسیدگی بیشتری در مورد آراء صادر از محاکم استینافی دادگاههای فدرال که دیوان مزبور در موارد زیر این گونه آراء را تمیزاً مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

۱- تجویز رسیدگی تمیزی بوسیله خود دیوان عالی کشور نسبت بدرخواستهای فرجامی از طرف اصحاب دعوا راجع بهر نوع دعوا اعم از جزائی ومدنی بعد از صدور رای وتصمیم از طرف دادگاه استیناف.

۲- تقاضای فرجام احد از اصحاب دعوا که امر مورد رسیدگی برطبق قوانین ایالات بعمل آمده و رای مزبور متغایر قانون اساسی وعهود یا قوانین ممالک متحده تشخیص داده شده باشد.

۳- تقاضای فرجام بوسیله گواهی دادگاه استیناف که بعلت وجود مسئله خاص اعم از جزائی ومدنی که دادگاه مزبور را نیازمند برای ارشادی دیوان کشور کرده وباصدور چنین گواهی دیوان کشور میتواند مبادرت بصدور تصمیم لازم الاتباع ارشادی کرده تا با مطالبه کلیه سوانق رای درماهیت امر صادرنماید.

۳- صلاحیت اصلی: بموجب ماده ۱۳۵۱ کد قضائی صلاحیت اصلی دیوان عالی کشور امریکابشرح زیر است:

الف - دیوان عالی کشور امریکا دارای صلاحیت اصلی واستثنائی زیراست:

۱- هر رسیدگی و اظهار نظر نسبت بکلیه اختلافات بین دو یا ایالات بیشتر.

۲- حق رسیدگی و اظهار نظر نسبت بکلیه اعمال و اقدامات علیه سفراء یا سایر صاحبمنصبان

دول خارج یا کارمندان و خدمتگزاران آنان بشرط عدم تناقض باقوانین ملل.

ب - دیوانعالی کشوردارای صلاحیت اصلی و غیر استثنائی نسبت بموارد زیر است:

۱- حق رسیدگی و اظهار نظر نسبت بکلیه اعمال و اقدامات که بوسیله سفراء یا سایر

صاحبمنصبان دولتی کشورهای خارجی ویا کنسول ها و نایب کنسول ها که این گونه افراد

در آن اصحاب دعوا باشند.

۱- حق رسیدگی و اظهار نظر نسبت بکلیه اعمال و اقدامات ایالتی علیه اتباع ایالت دیگر یا

علیه بیگانگان.

مطالعه درمورد مندرج در فوق بخوبی محدودیت صلاحیت دیوان عالی کشور امریکا را

آشکار میسازد زیرا در غیر اینصورت دادگاهی که متشکل از نه قاضی است نخواهد

توانست هر گونه پرونده ای را که محاکم عدیده قاره عظیمی چون امریکا مورد رسیدگی

قرار میدهند مورد بررسی قرار داده و مبادرت بصدور رای و تصمیم نماید و بهمین جهت

است که بموجب مواد فوق الاشعار دیوان کشور امریکا مرجع عالی قضائی است که فقط

برای ایجاد رویه هائی که قدرت قانونی آنها حتی بیشتر از قدرت مصوبات کنگره است

ایجاد شده و بعبارت دیگر این دادگاه آزمایشگاه مهم قضائی برای حل مشکلات

ومعضلات آنقسمت از مسائل حقوقی است که سایر مراجع از بررسی آن عاجزند
وهمانطور که توضیح داده شد گرچه دیوانعالی کشور امریکا دادگاهی مافوق کلیه مراجع
قضائی کشور مزبور اعم از محاکم ایالات وفدرال میباشد واز نظر اختیاراتی که این
موسسه عالی قضائی درزمینه تفسیر وبررسی قانون اساسی با سایر قوانین دارد دادگاهی
تقریبامحصردربین کشورهای عالم محسوب میگردد وازاین حیث بادیوانعالی کشور ایران
متفاوت است معذالک بادر نظر گرفتن سایر وظائف مشابه جادارد که بمنظور ازدیاد شان
واحترام وجلوگیری ازترکم امور باتجدید نظر درتشکیلات وحدودصلاحیت دیوان کشور
ایران گامی موثر برای تامین این نظرات برداشت.

نویسنده : منوچهر طلیمه